

ایران

صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفيعی
سرديبر: جواد دليبری

اذان ظهر ۱۳/۱۰ | اذان مغرب ۱۹/۴۰ | نيمه شب شرعی ۰۷/۲۸ | اذان صبح فردا ۵/۳۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۷

رسول اکرم صلی الله عليه وآله:
آدم دربار به پیامبری نزدیک است.

سخن روز

نگاره

سهیل محمدی



عیددیدنی در این روزها



فراهم آمدن تسهیلات کتاب‌خوانی برای کودکان بیمار

هنوز کارکردهای قصه‌گویی را باور نکرده اند

طی روزهای اخیرشاهد انتشارخبری ازسوی شورای کتاب کودک مبنی براین بودیم که امکانی برای کودکان بیمار درنظر گرفته شده تا به شکل رایگان قصه‌های صوتی بشنوند. البته این نخستین مرتبه‌ای نیست که این تشکل مردمی که درراس بانی‌های تأسیس آن می‌توان به زنده‌یادنوران میرهادی اشاره کرد دست به چنین کاری زده است. آن‌طور که دراین خبر آمده امکان دسترسی به قصه‌های صوتی از سوی گروه قصه‌گویی و کتابخوانی برای کودک بیماراز طریق کانال(https://t.me/ShoraKetab) فراهم شد.است.

نزدیک به ۲۵ سال از زمانی که همکاران شورا به بیمارستان‌ها رفتند و دست به قصه خوانی، کتابخوانی و حتی اجرای نمایش زدند می‌گذرد. با وجود تلاوومی که تلاش شده در این مسیر داشته باشیم اما متأسفانه هنوز هم از سوی مدیران بیمارستان ها و حتی برخی پزشکان همکاری چندانی انجام نمی شود. شاید در نهایت تعداد

بیمارستان هایی که دراین زمینه همکاری های لازم دارند به پنج بیمارستان برسد؛ هر چند که درباره همین تعداد هم ناچار به افتاح مرتب مدیران بیمارستان‌ها هستیم. متأسفانه اغلب کادر درمانی بیمارستان‌ها اعتقاد چندانی به قصه درمانی و اثرات آن ندارند. البته شاهد برخی اتفاقات خوب در بیمارستان‌ها هستیم، از جمله راه اندازی اتاق بازی و سرگرمی در تعداد زیادی از بیمارستان‌ها که نتیجه مثبتی دارد. با این حال آن طوره باید و شاید از این اتاق‌ها هم بهره گرفته نمی شود. هرچند که خوشحال هستم بگویم دوستان شورای کتاب کودک به سرپرستی خانم «مرضیه شاه



نوش‌آفرین انصاری دبیر شورای کتاب کودک

بیمارستان هایی که دراین زمینه همکاری های لازم دارند به پنج بیمارستان برسد؛ هر چند که درباره همین تعداد هم ناچار به افتاح مرتب مدیران بیمارستان‌ها هستیم. متأسفانه اغلب کادر درمانی بیمارستان‌ها اعتقاد چندانی به قصه درمانی و اثرات آن ندارند. البته شاهد برخی اتفاقات خوب در بیمارستان‌ها هستیم، از جمله راه اندازی اتاق بازی و سرگرمی در تعداد زیادی از بیمارستان‌ها که نتیجه مثبتی دارد. با این حال آن طوره باید و شاید از این اتاق‌ها هم بهره گرفته نمی شود. هرچند که خوشحال هستم بگویم دوستان شورای کتاب کودک به سرپرستی خانم «مرضیه شاه

عکس نوشت

در پی انعکاس گسترده «نامه هنرمندان ایرانی به هنرمندان جهان» در ایتالیا پتیشنی جهت حمایت از این نامه راه اندازی شده که در حال جمع‌آوری امضا از مردم ایتالیا و سراسر جهان است. با افزایش امضاها این نامه برای رئیس جمهور آمریکا و سایر رؤسای جمهور جهان و سفارتخانه‌ها ارسال خواهد شد.
مهران فلسفی (عکاس ایرانی مقیم ایتالیا) که مسئولیت ترجمه متن نامه به زبان ایتالیایی را بر عهده داشته و عکس او پوستر این پتیشن است در گفت‌وگو با «ایران» از بازتاب این نامه و همراهی رسانه‌های ایتالیا با هنرمندان ایران گفته‌است.

■ ایتالیایی‌ها از آسیب‌دیده‌ترین کشورهای جهان از ویروس کروناست!
اماد رحملیت از نامه هنرمندان ایران پیشگام بود. از فضای عمومی این کشور برای مقابله با ویروس کرونا یبییند.

ایتالیا با ۶۰ میلیون جمعیت و مساحتی حدود یک ششم مساحت ایران تراکم جمعیتی بالایی دارد. به علاوه اینکه دورتا

تلفن: ۸۸۷۶ ۱۷۴۰
نمابر: ۸۸۷۶ ۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶ ۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۳
روایه عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
مستدوق بستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۱۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
www.iran-newspaper.com

رسول اکرم صلی الله عليه وآله:
آدم دربار به پیامبری نزدیک است.

بخارا الانوار (ط-بیروت) ج ۴۳، ص ۷۰، ج ۶۱

افشین هاشمی: تلویزیون از وظیفه‌اش غفلت نکند

فعالیت فرهنگی نباید هیچ‌گاه در هیچ شرایطی متوقف شود، حتی با حمله مغول!
در چنین شرایطی تلویزیون وظیفه دارد فضایی برای کلاس‌های آموزشی آنلاین هنری در نظر بگیرد، حتی درباره موسیقی.
اما این رسانه هنوز درباره موسیقی درگیر مسائلی است که حل آن نیازمند تصمیم‌گیری ارگان‌های دیگر است.

بخشی از گفته‌های

این بازیگر و کارگردان به ایستا

درازاد روز علی اکبر شکارچی نوازنده کمانچه

عارف عاشق

علی اکبر شکارچی نوازنده شهیر و پیشکسوت ساز کمانچه ۷۱ ساله شد. استاد شکارچی ششم فروردین ماه سال ۱۳۲۸ در روستای ایستگاه چم سنگر شهرستان دورود استان لرستان متولد شد. علاقه او به کمانچه‌نوازی به دوران کودکی اش برمی گردد این انگیزه و اشتیاق سبب شد بعد از گذراندن دوران خدمت‌سربازی و اخذ دیپلم به تهران بیاید و هنر خود را به صورت حرفه‌ای نزد اساتید بزرگی چون داریوش صفوت، نورعلی خان برومند، محمود کریمی، یوسف فروتن، سعید هرمزی و جلال ذوالفنون دنبال کند. او در تمام این سال‌ها همواره از محضر استاد خود علی اصغر بهاری نیز بهره‌های بسیار برد و آنچه دانش و اندوخته هنری اش بود به نسل‌های بعد از خود نیز منتقل کرد چرا که به گفته خودش «دوست ندارم مانند بسیاری از هم‌نسلان خود مانند محمد رضا لطفی، عطا جنگوک و فرهنگ فرو و بسیاری از هنرمندان دیگر دانسته‌ها و دریافت‌ها و تجربیاتم را با خود ببرم...». شکارچی در این سال‌ها تلاش کرد نوای کمانچه ایرانی را که از آن نغمه‌های موسیقی لری هم به گوش می‌رسید به گوش دنیا برساند، کنسرت‌هایی که بسیار مورد اقبال عموم قرار گرفت و آلبوم‌هایی همچنان شنیدنی است.

استاد اکبر شکارچی را از پیش از انقلاب که در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی فعالیت داشتند می‌شناسم. او به همراه موزیسین‌های برجسته آن زمان کارهای ارزشمندی را در زمینه موسیقی سنتی و کمانچه نوازی انجام داده‌اند که بسیار مورد توجه بود؛ بویژه شرکت او در آزمون بارید و مقام نخست کمانچه نوازی که بدست آورد

میلاد



اردشیر کامکار نوازنده کمانچه

روزهای قرنطینه خانگی چگونه می‌گذرد؟

کرونا؛ خاطره‌ای از یک مشارکت ملی

این روزها را من با مادر در قرنطینه خانگی به سر می‌برم یا وقتم را در باغ می‌گذرانم. در یک محیط آیزوله و بدون ارتباط با دیگران. نوروز امسال به مسافرت نرفتم و به توصیه‌های پزشکی و ایمنی‌تا جایی که توانستیم عمل کردیم. امیدوار بودم مردم در نوروز سفر نروند اما متأسفانه می‌بینم آنقدر به شمال و زادگاه من، همدان، مسافر رفته که هتل‌ها پر شده‌اند و اهالی، فعالان مدنی و سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) به این مسأله معترض شدند، بعد از آن مدیران شهر ابتدا انکار کردند و بعد به فکر چاره افتادند. در قرنطینه در حال ساخت مستندی هستم از این روزها، اتفاقاتی که می‌افتد و شرایطی که داریم. مستندی به نام «روزهای کرونا». از اتفاقات مختلف و از شکل ارتباط مان با خانواده تصویر می‌گیرم. از اینکه مثلاً تحویل سال با خانواده تماس تصویری داشتیم و حتی از خواهرم با اینکه فاصله کمی با ما دارد، خواهش کردیم به دیدار مادرمان بنیاید.

در کنار ساخت این مستند، کتاب می‌خوانم، فیلم می‌بینم، می‌نویسم، کمی نقاشی و باغداری می‌کنم. این روزها کتاب «سرخ سفید» نوشته مهدی یزدانی خرم را می‌خوانم و پیش از این هم کتاب «مسیح در قصر» نوشته مهسا جزینی را خواندم که خاطرات سرتیپ اصغر کورنگی رئیس سابق زندان قصر در سال‌های پیش از انقلاب است و در فاصله کارها مقاله‌ای از فصلنامه بخارا را می‌خوانم، ویژه‌نامه خلیل ملکی اش بسیار جذاب است، علی‌دهاشمی مرد خستگی ناپذیر و کوشایی است. چند فیلم اسکاری امسال را هم دیدهام. فیلم‌های «مرد ایرلندی» و «۱۹۱۷» از میان فیلم‌های کلاسیک هم «دکتر ژیاگو» را بعد از سال‌ها دوباره دیدم و بازم این فیلم را بسیار دوست داشتم. قرنطینه سخت است ولی اگر به قرنطینه به عنوان یک مصلحت ملی نگاه کنیم بهتر می‌توانیم آن را تحمل کنیم. قرنطینه فقط برای خودمان نیست و در راستای منافع ملی‌ماست.

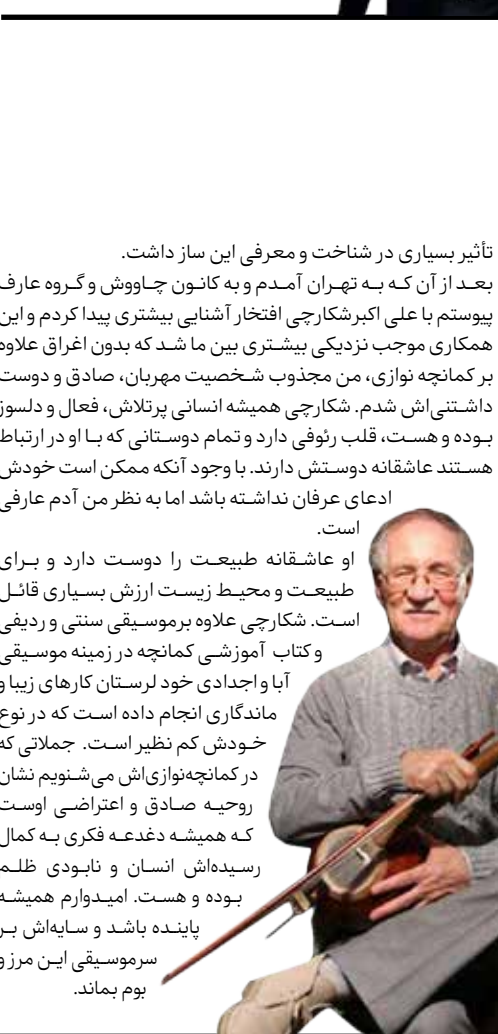
فکر می‌کنم رفتار دوستانی که سفر می‌روند و فکر می‌کنند خطری آنها را تهدید نمی‌کند یا آنها خطری برای دیگران ندارند، شبیه

را امید جوان: برای ساخت خندوانه پولی نگرفته‌ام!

متأسفانه برخی از مدیران تلویزیون این موضوع را مطرح کرده‌اند که بنده بابت ساخت برنامه «خندوانه» پول دریافت کرده‌ام ولی به بهانه کرونا این کار را شروع نکرده‌ام! خواستم بگویم این یک اتهام است. واقعیت این است که قصد ساختن برنامه «خندوانه» را نداشته‌ام و به تلویزیون نیز اعلام کرده‌بودم که فعلاً آن را نمی‌سازم.

موضع این کارگردان و بازیگر

درمورد حواشی اخیر



اگر مسئولان کشور بتوانند این شرایط را مدیریت و کنترل کنند کرونا می‌تواند به خاطره‌ای از یک مشارکت ملی برای ما تبدیل شود ولی اگر مدیریت نشود می‌تواند مبدل به خاطره‌ای فاجعه‌گونه شود. قدیمی‌ها از یک فحطی بزرگ می‌گفتند که معروف بود به فحطی ۸۸. پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها ایمان این فحطی را به یاد داشتند. این فحطی خاطره تلخ کسانی بود که در اواخر قرن گذشته شمسی زندگی کرده بودند. این فحطی اینقدر تلخ بود که از آن ضرب‌المثل هم شده بود، به آدم خسیس می‌گفتند «چه هشتاد و هشت!» اما امیدوارم کرونا مبدل به یک فاجعه نمی‌شود که اگر نشد فکر می‌کنم می‌توان آن را از این منظر دید که تنها پدیده‌ای است که در ۴۱ سال

بعد از انقلاب، مردم توانستند به این گستردگی درباره‌اش جوک و قصه بسازند. در این سال‌ها هیچ پدیده‌ای نداریم که اینگونه طولانی مدت مردم را درگیر کرده باشد و برایش جوک ساخته شود. کرونا به منبع الهام بسیاری از طنزپردازان پنهان ایران مبدل شد و برای من عجیب است که چگونه یک ملت با یک پدیده تلخ مانند کرونا می‌تواند اینطور با نگاه طنز برخورد کند. ملت ما در ساخت و پرداخت طنز کلامی بی‌نظیر است. ایتالیایی‌ها با موزیک و شادمانی بود با لکن‌ها توانستند در این روزها مقاومت کنند و با کرونا مواجه شوند و مردم ما با ساخت جوک و لطیفه، ساخت کلمپهای ابتکاری و فایل‌های صوتی و عکس‌های بازه‌ای کار را کردند و از همه مهمتر تصاویر زیبایی بود که کادر پزشکی بیمارستان‌ها از شادمانی‌های غم انگیزشان به اشتراک گذاشتند تا با این موضوع با عصبیت کمتری مواجه شوند. «مواجهه با کرونا به سبک ایرانی» موضوع بسیار خوبی برای یک پژوهش جامعه‌شناختی است. درباره ملتی که مرگ را هم به سخره می‌گیرد.

عمومی دارند مسئولیت بیشتری هم دارند. جامعه هنرمندان ایران خوشبختانه بموقع و با حس مسئولیت بالا به وظیفه خود عمل کرد. همانطور که در نامه هنرمندان ایران به جامعه هنری جهانی خوانده می‌شود، ما با دو مشکل بزرگتر از توان خویش روبرو هستیم؛ شیوع غیر منتظره ویروس و تحریم‌های غیرقانونی و مخرب دولت آمریکا علیه ملت‌مان. در این شرایط تبعات مشکل دوم باعث شد تا نامه به سرعت آماده انتشار شود و ترجمه‌های مختلف آن با تمام توان و امکانات به اطلاع رسانه‌های بین‌المللی و جوامع هنری و سیاستمداران بین‌المللی برسد. خوشبختانه با توجه به تجربه ۱۲ سال اخیر در جشنواره سیمپلی «اکتون خاورمیانه» فلورانس ایتالیا (MeadleEast Now Film Festival) توانستیم تمامی امکانات مطبوعاتی و فضای مجازی خود را با یک‌گیریم و در عرض چند ساعت، در واقع یک شب تا صبح، متن این نامه و درخواست ملت ایران توسط هنرمندانش را به گوش هنرمندان و مردم ایتالیا برسانیم. استقبال ایتالیایی‌ها و رسانه‌های ایتالیایی خارق‌العاده بود. در عرض چند ساعت تمام رسانه‌های ارشد



هیچ نقطه جهان‌قادر به مبارزه و ریشه‌کن کردن ویروس نیست! طبیعتاً بخش‌هایی از مردم، بخصوص روشنفکران و هنرمندان که امکان تأثیرگذاری در افکار

کردن دولت و دیگران بیاندازند و از

مسئولیت‌های خود غافل باشند. در مورد

مشکلی با این سطح و حجم بدون حس

مسئولیت و همکاری مردم هیچ دولتی در



سایه باد
کارلوس روینث تافون
علی مصنوعی
نشر تیماژ

حقیقت این است
که کتاب‌های من
رسمی‌ای ندارند
نوشته‌ای که در این
قفسه‌هاست روزی
بهترین دوست یک
انسان فرامیخته‌بوده
و رازهایی دارد
که تا بدهمان‌جا
باقی‌می‌ماند.

روزی برای تجلیل از هنرمندان صحنه

۷ فروردین روز ملی هنرهای نمایشی است. روزی که شه‌ریور سال ۹۵ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی در تقویم ثبت شد و قرار است در آن بیشتر به اهمیت هنرهای نمایشی در فرهنگ کشور پرداخته شود.

بهار، زوال بلاست، خُرم اوقاتی که متولد بردباری و امیدواری ست. یادافره پروردگاری است که رنج خلق خویش را بر نمی‌تابد. جهان ناخوش احوال این روزها به یلایی مبتلاست که ناگزیریم از دور، دستی بر آتش دوستی داشته باشیم و در خلوت خویش، دست دعا به بهبود اوضاع جهان برآریم که ستایش خداوند در شادی و اندوه، هنر آدمی است. فروردین، فرودگاه فرشتگانی است که دل در گرو پیروزی اهورا دارند و اسباب شادمانی است که تقویم تاتار این کهن هنر انسان در اوان فروردین به امید چیرگی حقیقت گشوده می‌شود. هفتم فروردین روز ملی هنرهای نمایشی است. نیک‌روزی به تجلیل هنرمندان صحنه که پیوسته جویای دانایی و منادی معرفت بوده‌اند. آیین شادباش این روز به روزگار دیگری به‌مانند که به نوشداری دانش، شکست میهمان ناخوانده این روزها را جشن بگیریم و زنگ ملال را به مرهم تاتار از آینه دل برداییم.

چراغ باغ هنر روشن بماند و به میمنت این روز نوروزی، حال و احوال اصحاب ناب نمایش خوش و خُرم باد. آمین.

کسانی که در خانه مانده‌اند و هشدارها را جدی گرفته‌اند معمولاً هر روز از تجربیات‌شان درباره قرنطینه خانگی می‌نویسند. از کتاب‌هایی که می‌خوانند و فیلم و سریال‌هایی که می‌بینند، از آشپزی و نان‌پختن در خانه، سرگرم کردن بچه‌ها و البته خستگی و دلنگنی و سر رفتن حوصله و مشکلات‌شان با

خانواده؛ «من خسته شدم دیگه!» به جمله بهم‌بگین که بتوانم قرنطینه رو ادامه بدم»، ««هروقت از خانه نشینی خسته شدید یادتون بیهفته در بیمارستان حتی ۱۰ درصد از امکانات خانه را هم ندارید و به رخت و خستگی شما اضافه می‌شود. بگذارد صادق باشم حدود ۱۷ هزار نفر در دنیا آرزوی حال خروتن گونه امروز شما را به گور برند، ۲۶۷ هزار نفر در دنیا براحتی شامفسن نمی‌کنند! ««ولی اولین کاری که باید تو قرنطینه انجام داد قرنطینه کردن پدر و مادر از همه‌دیگه است! یعنی واکنش جنگی بی‌نیاهت در دقیقه. جدی اینا چطوری به عمر باهم زندگی کردن»، ««هممون تو قرنطینه به سری خصوصیات جدید اخلاقی و رفتاری پیدا کردید که عجیب و غیرقابل کنترله. کم‌کم متوجه می‌شید. شاید شدید»، «برای دوران قرنطینه تصمیم گرفتیم یک رژیم غذایی رو رعایت کنیم و با ورزش و تردمیل بهترین استفاده رو از این تموم شد باید چند روز اول دستامون ۱۰ ثانیه بشوریم، هفته دوم ۱۰ ثانیه و همین‌جوری کمش کنیم؛ تا بدون خماری به همون دست نشستن قبل برگردیم. ««بعد قرنطینه با من پامو از این تموم می‌ذارم بیرون یا بیام. ««می‌ترسم اینقدر به خونه موندن عادت کنم. قرنطینه تموم شه، ربا‌ز همین‌جوری بمونم، همه زحمت‌های چندین ساله به باد بده»، «ولی انصافاً زنان خانه‌دار غمگینی که بزرگترین دلخوشی‌شون اون تنهایی صبح تو خونه بود، اون حس فرمانروایی مطلق به خونه خالی، آزادی کشیدن به نفس عمیق، حالا دوبار بقیه از قرنطینه حس خفگی دارن، چون بزرگترین لذت زندگی‌شون زمانی برا خودشون بود، از دستش دادن»، «بعد از تموم شدن این قضایا دنیا بر می‌شه از کسانی که به تنهایی عادت کردن»، «ایه آقایی بود که در تلویزیون گردشگری در خونه رو تعریف کرد (تقریباً دو سال پیش) این همه بد و بیراه بهش گفتیم، عجب مرد آینده نگری بود».

ویروس جدید

خبری که درباره ویروسی جدید به نام «هانتاویروس» منتشر شد خیلی‌ها را نگران کرد. ویروسی که در چین یک قربانی گرفته و خیلی‌ها به این بهانه با چینی‌ها و نحوه غذاخوردن‌شان شوخی می‌کنند. البته کاربران زیادی اطلاعاتی از این ویروس منتشر می‌کنند که نشان می‌دهد هانتاویروس از انسان به انسان منتقل نمی‌شود: "خب سوغات دیگر چین چین ویروس هانتا که از چوندگانی مثل موش به انسان منتقل می‌شه، ویدیوهای وایرالی هست که چینی‌ها موش زنده رو میل می‌کنن. ویروس وارد مجاری تنفسی شده و عفونت و مرگ می‌ده. نکته مثبت انتقال انسان به انسان نداره و همون شستن دستها و نخوردن موش کفایت می‌کنه. «« هانتاویروس، ویروس جدیدی نیست و در ادرا، مدفوع و بزاق چوندگان هست و از تماس با همین سه مورد به انسان منتقل می‌شه. انتقال انسان به انسان در نوع HPS دیده نشده و در نوع HFRS بسیار نادر بوده. تو هوا هم زنده نمی‌مونه!»، «احتمال اینکه کسی به ویروس هانتا مبتلا بشه یک‌در سی‌زده میلیونه چیزیه معادل اینکه صاعقه به کسی برخورد کنه. «« هانتا ویروس چه دیگه؟»، «ما از مردم چین درخواست می‌کنیم جون مادرزون هر چیزی رو که تگون می‌خوره نخورید. ««کاشکی به سرخ ساده می‌کردین می‌دیدین نوشته که هانتاویروس بندرت از انسان به انسان سرایت می‌کنه انقدر دیگه کشش نمی‌دادین»، «با این‌دین چینی‌ها رژیم غذایی‌شون رو عوض کنن. لعنتی‌ها بسه دیگه، جک و جویونر نخورید».

ماجرا